



رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

استقلال قضایی

در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

نگارنده

قاسم کرامت

استاد راهنما

دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده

استادان مشاور

دکتر مرتضی شهبازی‌نیا

دکتر علی خالقی

اسفند ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی
تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

خطیب / آقای قاسم کرامت رساله ۱۸ واحدی خود را با عنوان: استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ ارائه کردند.
اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی پیشنهاد می کنند.

| اعضای هیات داوران | نام و نام خانوادگی | رتبه علمی | امضاء |
|---------------------------------|------------------------------|-----------|-------|
| ۱- استاد راهنمای اصلی | آقای دکتر محمدجعفر حبیب زاده | استاد | |
| ۲- استاد راهنمای دوم | ----- | --- | ----- |
| ۳- استاد مشاور اول | آقای دکتر مرتضی شهبازی نیا | استادیار | |
| ۴- استاد مشاور دوم | آقای دکتر علی خالقی | استادیار | |
| ۵- استاد ناظر | آقای دکتر محمد فرجیها | استادیار | |
| ۶- استاد ناظر | آقای دکتر محمود صابر | استادیار | |
| ۷- استاد ناظر | آقای دکتر جلیل امیدی | دانشیار | |
| ۸- استاد ناظر | آقای دکتر ولی رستمی | استادیار | |
| ۹- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی | آقای دکتر مرتضی شهبازی نیا | استادیار | |

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه امم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه پاتنت ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

اینجانب..... دانشجوی رشته..... حقوق..... در روز..... ماه..... سال تحصیلی.....
مقطع..... دانشکده..... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم.

امضاء:
تاریخ: ۱۳۸۷/۹/۲۳

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته
است که در سال
در دانشکده

دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر ، مشاوره
سرکار خانم/جناب آقای دکتر و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر

از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب س. کرامت دانشجوی رشته حقوق میرزا رحیم مقطع دکتر تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: س. کرامت

تاریخ و امضا:

۱۳۹۰/۱۵/۲۴

نوشیدن نور ناب کاری است شگفت
این پرسش را جواب، کاری است شگفت
توگونه ی یک شهید را بوسیدی؟
بوسیدن آفتاب کاری است شگفت
«مین پور»

تقدیم به :

کسانی که به من آموختند آنچه را که نمی دانستم و از تاریکی نادانی به روشنایی علم و آگاهی
رهنمون ساختند؛

و به ارواح پاک و مطهر تمامی شهدای راه حق و حقیقت، شهدای انقلاب اسلامی، شهدای هشت سال
جنگ تحمیلی، به ویژه شهدای مظلوم هویزه و روح بلند و ملکوتی رهبر کبیر و فقید انقلاب اسلامی
حضرت امام خمینی(ره)؛

و کسانی که در جهت پدید آمدن این اثر، صبوری کردند و سختی های فراوانی را تحمل کردند.

قدردانی و سپاس

بر خود فرض می دانم که در ابتدا مراتب قدردانی و سپاس صمیمانه ی خویش را از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حبیب زاده که ترغیب و تشویق ایشان سرآغاز این پژوهش و هدایت و راهنماییهای وی مددکار طول مسیر بوده است؛

از اساتید محترم مشاور جناب آقای دکتر شهبازی نیا و جناب آقای دکتر خالقی که در مراحل مختلف این پژوهش از نظرات ارزشمند و دقیق آنان بهره مند بوده ام و

از همه عزیزان و بزرگوارانی که در پدید آمدن این اثر نقش داشته و یاری رسان اینجانب بوده اند؛
اعلام کنم .

چکیده

اقامه عدل و اجرای عدالت یکی از نیازمندیهای طبیعی، ثابت و بنیادین بشر و شالوده قوام و دوام زندگی اجتماعی اوست. از لوازم ضروری اجرای عدالت، بهره مندی تمامی اعضای جامعه از دادرسی عادلانه است. ستون اصلی دادرسی عادلانه، رسیدگی و صدور حکم تنها براساس واقعیات مستند پرونده و قانون است. بنابراین نیازی که وجود دستگاه قضا را ضروری کرده و هدفی که این دستگاه برای تحقق آن ایجاد شده، مشروط به بی طرفی کسانی است که بر مسند قضاوت می‌نشینند و بی طرفی در صورتی قابل تحقق است که قاضی و دادگاه کیفری از استقلال کافی برخوردار باشند. استقلال قضایی اختیار و امکانی است که به قاضی اجازه می‌دهد به دور از هر گونه فشار و مداخله و بدون ترس در پرونده های مطروحه، اعلام رأی کند و بستر مناسب صدور حکم عادلانه و بر اساس واقعیت و قانون برای او فراهم شود. استقلال قضایی اصلی است که تضمین حقوق شهروندی و بهره مندی شهروندان از آزادیهای اساسی، وابسته به تحقق آن است.

در نظام حقوقی ایران تدوین کنندگان قانون اساسی فعلی و قبلی، اصولی را به این موضوع اختصاص داده‌اند. در پژوهش حاضر، نحوه و میزان تأمین و تضمین استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران و کیفیت و چگونگی بهره مندی قضات و دادگاههای کیفری از آن مشخص شده است و در این راستا ضمن تبیین دقیق مفهوم، ابعاد و مبانی اصل مزبور و ارائه قرائتی صحیح از آن، به تبیین جایگاه، شرایط و موانع تحقق آن در نظام قضایی ایران پرداخته شده است. برای رسیدن به مطلوب، افزون بر پژوهش نظری که طی آن با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به مطالعات کتابخانه ای، گردآوری داده های اسنادی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شد، مبادرت به انجام تحقیق کیفی به صورت میدانی نیز گردید. بدین منظور، پرسشنامه ای تهیه و بین چهارصد نفر از قضات شاغل در دادگاههای کیفری استانهای مختلف توزیع گردید و با نه قاضی مصاحبه انجام شد. حاصل تحقیق، بیانگر این واقعیت است که اصل استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و به دلیل عدم تمهید مقدمات، تأمین نکردن شرایط لازم و عدم رفع موانع موجود، استقلال قضات و دادگاههای کیفری در ایران به نحو مطلوبی تأمین و تضمین نشده است. در این تحقیق تلاش شده است، کاستی‌ها و نارسائیهای موجود به صورت مصداقی، مستدل و مستند تبیین گردد و با در نظر گرفتن نرمهای بین المللی و تجربه کشورهای بهره مند از نظام قضایی پیشرفته، راه کارهای مناسب به منظور تأمین و تضمین استقلال قضات و دادگاههای کیفری در ایران، ارائه و معرفی شود.

واژگان کلیدی : استقلال قضایی، استقلال سازمانی، استقلال قضات، یکپارچگی قضایی

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۱ | فصل اول - مقدمه و طرح تحقیق..... |
| ۳ | ۱-۱- تعریف مسئله و تبیین موضوع..... |
| ۲۴ | ۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق..... |
| ۲۶ | ۳-۱- سؤال‌های تحقیق..... |
| ۲۶ | ۴-۱- فرضیه‌های تحقیق..... |
| ۲۷ | ۵-۱- اهداف نظری و کاربردی تحقیق..... |
| ۲۷ | ۱-۵-۱- اهداف نظری..... |
| ۲۷ | ۲-۵-۱- اهداف کاربردی..... |
| ۲۸ | ۶-۱- روش تحقیق..... |
| ۲۸ | ۷-۱- پیشینه تحقیق..... |
| ۳۱ | فصل دوم - مفاهیم مقدماتی، مبانی و کارکردهای استقلال قضایی..... |
| ۳۲ | ۱-۲- مفهوم استقلال قضایی..... |
| ۳۲ | ۱-۱-۲- مفهوم لغوی..... |
| ۳۵ | ۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی..... |
| ۴۲ | ۲-۲- مفهوم بی طرفی و تفاوت آن با استقلال قضایی..... |
| ۴۴ | ۳-۲- ابعاد استقلال قضایی..... |
| ۴۵ | ۱-۳-۲- استقلال سازمانی..... |
| ۴۸ | ۲-۳-۲- استقلال فردی..... |
| ۵۱ | ۴-۲- اهداف استقلال قضایی..... |

- ۵۱-۱-۴-۲- صیانت از جامعه ی آزاد
- ۵۴-۲-۴-۲- صیانت از شأن و منزلت امر قضا.....
- ۵۸-۵-۲- مبانی و جایگاه استقلال قضایی
- ۵۸-۱-۵-۲- مبانی استقلال قضایی
- ۵۸-۱-۱-۵-۲- اقامه ی عدل و اجرای عدالت
- ۶۱-۲-۱-۵-۲- قانون مداری و حاکمیت قانون
- ۶۹-۳-۱-۵-۲- تأمین اعتماد عمومی
- ۷۵-۴-۱-۵-۲- رعایت حقوق بشر
- ۸۱-۲-۵-۲- جایگاه استقلال قضایی در اسناد بین المللی حقوق بشر و قوانین ایران.....
- ۸۱-۱-۲-۵-۲- در اسناد بین المللی حقوق بشر
- ۸۲-۱-۱-۲-۵-۲- در اسناد جهانی
- ۸۵-۲-۱-۲-۵-۲- در اسناد منطقه ای
- ۸۹-۲-۲-۵-۲- در قوانین ایران
- ۸۹-۱-۲-۲-۵-۲- قانون اساسی
- ۹۵-۲-۲-۲-۵-۲- قوانین و مقررات عادی
- ۹۶-۱-۲-۲-۲-۵-۲- مرحله ی کشف جرم
- ۹۹-۲-۲-۲-۲-۵-۲- مرحله ی تعقیب.....
- ۱۰۲-۳-۲-۲-۲-۵-۲- مرحله ی تحقیق
- ۱۰۶-۴-۲-۲-۲-۵-۲- مرحله ی محاکمه و صدور حکم
- ۱۰۹-۵-۲-۲-۲-۵-۲- مرحله ی اجرای حکم
- ۱۱۱-۶-۲- کارکردهای استقلال قضایی
- ۱۱۲-۱-۶-۲- تضمین دادرسی عادلانه

- ۲-۶-۲- تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان ۱۱۷
- ۲-۶-۳- کاهش فساد و پیشگیری از وقوع جرم ۱۲۱
- فصل سوم - اقتضائات و موانع استقلال قضایی در نظام عدالت کیفری ۱۲۸**
- ۳-۱- اقتضائات تحقق استقلال قضایی ۱۳۱
- ۳-۱-۱- اقتضائات استقلال سازمانی ۱۳۱
- ۳-۱-۱-۱- تضمین یکپارچگی سازمان مسئول اجرای عدالت کیفری ۱۳۱
- ۳-۱-۱-۲- استقلال درون سازمانی دادگاه کیفری ۱۳۸
- ۳-۱-۱-۳- تعریف فرایند چند مرحله ای برای قطعیت احکام کیفری ۱۴۸
- ۳-۱-۱-۴- ایجاد شورای عالی قضایی ۱۵۲
- ۳-۱-۱-۵- استقلال دادگاه انتظامی قضات ۱۵۶
- ۳-۱-۱-۵-۱- اسناد بین المللی ۱۵۸
- ۳-۱-۱-۵-۲- نظام حقوقی ایران ۱۶۰
- ۳-۱-۱-۵-۳- فرایند رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات ۱۶۰
- ۳-۱-۱-۵-۴- فرایند تردید در صلاحیت قضات ۱۷۶
- ۳-۱-۱-۵-۵- تجزیه و تحلیل آماری یافته های پژوهش میدانی ۱۸۳
- ۳-۱-۱-۶- تعیین ضمانت اجرا برای اخلاص در استقلال قضایی ۱۸۵
- ۳-۱-۱-۷- ایجاد پلیس قضایی ۱۸۸
- ۳-۱-۱-۸- استقلال دادرسی از دادگاه ۱۹۱
- ۳-۱-۱-۹- استقلال کانون وکلا ۲۰۲
- ۳-۱-۱-۱۰- استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۲۰۵
- ۳-۱-۱-۱۱- تصویب قوانین دقیق و شفاف در خصوص ساختار مراجع کیفری ۲۰۷
- ۳-۱-۲- اقتضائات استقلال فردی قضات ۲۱۰

| | |
|-----|---|
| ۲۱۰ | ۱-۲-۱-۳- امنیت شغلی |
| ۲۲۲ | ۲-۲-۱-۳- مصونیت قضایی قضاوت |
| ۲۲۷ | ۳-۲-۱-۳- گزینش صحیح و ضابطه‌مند |
| ۲۳۴ | ۴-۲-۱-۳- وجود ضوابط عینی برای پیشرفت و ارتقا |
| ۲۳۹ | ۵-۲-۱-۳- حفظ عزت، حرمت و شأن قضاوت |
| ۲۴۳ | ۶-۲-۱-۳- تأمین بودجه و منابع مالی مناسب |
| ۲۴۷ | ۲-۳- موانع تحقق استقلال قضایی |
| ۲۴۷ | ۱-۲-۳- موانع ساختاری |
| ۲۴۷ | ۱-۱-۲-۳- عدم دسترسی به عدالت |
| ۲۵۲ | ۲-۱-۲-۳- عدالت بخشنامه ای |
| ۲۵۶ | ۳-۱-۲-۳- عدم اجرای احکام قضایی توسط سایر قوا و نهادهای حکومتی |
| ۲۶۱ | ۲-۲-۳- موانع رفتاری |
| ۲۶۲ | ۱-۲-۲-۳- فعالیت سیاسی و سیاسی کردن امر قضا |
| ۲۶۷ | ۲-۲-۲-۳- اشتغال قضاوت به شغل دوم |
| ۲۷۱ | ۳-۲-۲-۳- قضاوت در پرونده های مرتبط با خود و اطرافیان |
| ۲۷۵ | نتایج و پیشنهادها |
| ۲۷۵ | الف - نتایج |
| ۲۷۸ | ب- پیشنهادها |
| ۲۸۱ | فهرست منابع |
| ۳۰۱ | ضمایم |

فصل اول

مقدمه و طرح تحقیق

فصل اول : مقدمه و طرح تحقیق

در قلب نظام حقوقی هر کشوری، دستگاه دادگستری قرار دارد و حساس‌ترین بخش این دستگاه، نظام عدالت کیفری است که نقش اصلی را در حاکمیت قانون و اجرای عدالت و پاس داشت حقوق و آزادیهای اساسی افراد، به عهده دارد. صحت و سلامت عمل نظام عدالت کیفری، نیازمند رعایت اصول و قواعد متعددی است که استقلال قضایی¹ از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین آنها محسوب می‌شود. استقلال قضایی اصلی است که تضمین تمامی حقوق شهروندی و بهره‌مندی از تمامی آزادیهای اساسی، وابسته به تحقق آن است. به همین دلیل در عصر حاضر که دوران حقوق بشری شدن حقوق کیفری به شمار می‌آید، اکثر قریب به اتفاق دولت‌ها، پای بندی خود را به این اصل اعلام و آن را در قوانین اساسی و یا عادی خویش گنجانده و به طور رسمی پذیرفته‌اند. اما آیا استقلال قضایی به معنای مجرد اعلان آن در مقدمه و متن قانون اساسی و گنجاندن آن در برخی از متون قانونی دیگر است؟ آیا تحقق عملی مفهوم استقلال قضایی بدون رفع موانع و بدون پیش بینی تضمینهای اجرایی کافی و لازم امکان پذیر است؟ آیا مفهوم استقلال قضایی بدون پای بندی عملی به آن، واقعیت خارجی پیدا می‌کند؟ این سؤالات و مشابه آنها از مواردی است که می‌تواند ذیل این عنوان مورد بررسی قرار گیرد.

سخن پردازی، تعریف و تمجید و بیان عبارات زیبا و جذاب مانند قضای مستقل، قضای قانونی، حاکمیت قانون و مانند آن بسیار آسان است؛ اما صرف بیان و اعلان اصول مربوط به آن، از جمله اصل استقلال قضایی و یا استقلال قاضی و دادگاه، هر چند در متون قانونی صورت گرفته باشد، تا زمانی که

¹. Judicial Independence

توسط یک ساختار و سازمان قضایی نظام مند و آزاد از هر گونه اعمال فشار و مداخله، به شیوه ای صحیح که حقوق و آزادیهای اساسی تمامی شهروندان را در بر گرفته و به شکلی برابر تضمین کرده باشد، اجرا و عملی نشود، سودمند و اثربخش نخواهد بود. بنابراین اعلام نظر درباره‌ی مستقل بودن قضا در هر کشوری، نیازمند یک بررسی دو درجه ای در دو حوزه‌ی متفاوت است. ابتدا می‌بایست متون قانونی اعم از قانون اساسی و قوانین عادی از حیث پیش بینی تمامی شرایط لازم و رفع تمامی موانع موجود در راه تحقق استقلال قضایی، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و سپس، میزان عمل و پای بندی واقعی به متون قانونی مزبور سنجیده شود. در صورتی می‌توان استقلال قضایی را محقق و تضمین شده پنداشت که در هر دو حوزه‌ی مذکور نقص، اشکال و ایراد مؤثری وجود نداشته باشد. در غیر این صورت با وجود نقص و ایراد اساسی به شاخصه‌هایی که در هر دو حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرند، وجود استقلال قضایی، ادعایی بیش نیست و نمی‌توان به چنین دستگاہی امیدوار بود تا مجری عدالت باشد.

۱-۱- تعریف مسئله و تبیین موضوع

از همان اوان تشکیل جامعه های بشری و تحول ابتدایی آنها و حرکت از حاکمیت زور و زورمداری فردی به سمت پذیرش قانون و واگذاری اختیارات فردی به جامعه برای اداره‌ی امور، از جمله حل اختلافات شهروندان و فصل خصومت بین آنان، نیاز به قضاوت و دخالت فرد ثالثی در حل و فصل دعاوی هویدا شد. نیازی که وجود دستگاہ قضا را ضروری کرده و هدفی که این دستگاہ برای تحقق آن به وجود آمده، یعنی احقاق حق و اقامه عدل و فصل خصومت، مشروط به بی طرفی کسانی است که بر مسند قضاوت می‌نشینند و بی طرفی در صورتی قابل تصور و تحقق است که قاضی از استقلال کافی برخوردار باشد. استقلال قضایی، اختیار و امکانی است که به قاضی اجازه می‌دهد به دور از هر گونه فشار و بدون وا همه و ترس در پرونده‌ی مطروحه اعلام رأی کند و بستر مناسب صدور حکم بی طرفانه و بر اساس واقعیت و قانون برای او فراهم شود. به همین دلیل به رغم نبود قوانین اساسی در جامعه های ابتدایی و فقدان حمایت و صیانت قانونی از استقلال قضایی در آنها، التزام عملی به اصل

مزبور در قضاوت به عنوان یک نیاز واقعی، مورد توجه بود. البته در عصر باستان، حمایت از اجرای عدالت و پشتیبانی از استقلال قضایی، بیشتر به صورت مبارزه با تخلفات قضات در رسیدگی به پرونده‌ها و سرکوب قضات متخلف جلوه گر می‌شد.^۱

برقراری عدل و اجرای عدالت در طول تاریخ و در بین تمامی اجتماعهای بشری به عنوان یک ارزش، مطرح بوده و متون تاریخی بیانگر این واقعیت است که اصل تفکیک قوا و استقلال قضایی به عنوان پیش شرط اصلی و اساسی برقراری عدالت اجتماعی و اجرای عدالت قضایی، از پدیده‌های حقوقی عصر جدید نیست. بلکه در روزگاران قدیم نیز این اصل به عنوان یک آرمان بلند در گفته‌ها و نوشته‌های بزرگان وجود داشت و در تمدن یونانی و قوانین امپراتوری رم نیز شناخته شده بود.^۲ در همین راستا، برخی اصل تفکیک قوا را از ابتکارهای افلاطون^۳ می‌دانند.^۴ ارسطو^۵ در خصوص اصل تفکیک قوا، بر این باور بود که: «هر حکومت دارای سه قدرت است و قانون‌گذار خردمند باید حدود هر یک از این سه قدرت را باز شناسد ... نخستین این سه قدرت، هیئتی است که کارش بحث و مشورت درباره‌ی مصالح عام است. دومین آن‌ها ... به فرمانروایان و مشخصات و حدود صلاحیت و شیوه انتخاب آنان مربوط می‌شود. سومین قدرت، کارهای دادرسی را در بر می‌گیرد».^۶ آنچه ارسطو مطرح کرد، ناظر به موضوع تقسیم وظایف و اختیارات حکومت است و در آن تأکیدی بر اصل استقلال قضایی دیده نمی‌شود. این موضوع بعدها توسط برخی از اندیشمندان مکتب حقوق فطری^۷ نظیر گروسوس^۸ و ولف^۹ پی گرفته شد^{۱۰} و در قرن هیجدهم، متفکران دیگری چون جان لاک^{۱۱} با شیوه‌ای متفاوت و

^۱. ر. ک.: کوشا، جعفر؛ جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱، ص ۱۷.

^۲. منذر، الفضل؛ «مبدأ استقلال السلطه القضائیه»، ۲۰۰۱.

^۳. <http://home.bip.net/alfadhil>

^۴. Plato

^۵. حجتی کرمانی، علی؛ سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹، ص ۴۹۷.

^۶. Aristoteles

^۷. ارسطو؛ سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، چ ششم، ۱۳۹۰، ص ۱۸۷-۸۸.

^۸. School of Natural Law

^۹. Hugo Grotius

^{۱۰}. Wolf

^{۱۱}. منصورنژاد، محمد؛ «استقلال قوا و ولایت مطلقه»، فصل‌نامه حکومت اسلامی، شماره ۱۱، ۱۳۷۸، ص ۴۱.

^{۱۲}. John Locke

اهتمامی بیشتر به تبیین اصل تفکیک قوا پرداختند و ضرورت و اهمیت استقلال قضایی را مورد تأکید قرار دادند. در نهایت اصل تفکیک قوا به شکل امروزی که مورد پذیرش نظامهای حقوقی معاصر است، برای نخستین بار توسط منتسکیو^۱ فیلسوف و متفکر قرن هیجدهم فرانسه مطرح شد. منتسکیو قوای یک دولت را به سه قوهی مقننه، مجریه و قضاییه تقسیم کرد و بر این باور بود که تأمین آزادی و حفظ حقوق شهروندان یک کشور بستگی به آن دارد که قوانین و نهادهای حکومت به گونه ای پیش بینی شوند که قوای سه گانه، یکدیگر را اداره و تعدیل کنند.^۲ ایشان در فصل ششم از کتاب یازدهم روح القوانين،^۳ به قوای سه گانه ی مقننه، مجریه و قضاییه و تفکیک آنها از یکدیگر اشاره کرده و بیان می‌دارد: «... حال باید فهمید اگر یکی از این سه قوه در کارهای مربوط به هم مداخله کنند و یا هر سه قوه در دست یک نفر، یا یک هیئت قرار بگیرد، یا قوهی مقننه و مجریه یکی شود، یا قوهی قضاییه در اختیار یکی از آن دو قوه باشد، یا عکس آن اتفاق افتد، سازمان دولت و وضعیت زندگی مردم چه صورتی خواهد داشت؟ وقتی قوهی مقننه و قوهی مجریه یکی شد و در اختیار یک شخص یا یک هیئت که زمامدار است قرار گرفت، دیگر آزادی وجود نخواهد داشت؛ زیرا در این صورت باید از این ترسید که آن شخص یا آن هیئت حاکم، قوانین جابرانه ای را وضع کند و جابرانه هم به موقع اجرا بگذارد و اگر قوهی قضاییه از قوهی مقننه و قوهی مجریه مجزا نباشد، باز هم آزادی وجود نخواهد داشت. چون اختیار نسبت به زندگی و آزادی افراد خودسرانه خواهد بود و آن گاه که قاضی خود مقنن باشد و خود اجرا کند، اقتدارات وی ستمگرانه می‌شود. اگر یک فرد یا هیئتی این سه قوه را با هم در اختیار داشته باشد، یعنی هم قوانین را وضع کند و هم آنها را به موقع اجرا بگذارد و هم اختلافات و دعاوی میان افراد را حل و فصل کرده و هم جنایات را کیفر دهد، آن گاه همه چیز از بین خواهد رفت.»^۴ از این منظر، استقلال قضایی به عنوان یکی از لوازم و پیامدهای تبعی نظریه‌ی تفکیک قوا، به منزله‌ی وسیله ای برای حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، اهمیت یافته و مورد توجه قرار می‌گیرد. در بسیاری از اسناد بین المللی حقوق بشر به موضوع استقلال قضایی پرداخته شده و

^۱ . Montesquieu

^۲ . منتسکیو، شارل لویی دو؛ روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۹، صص ۲۹۶ - ۲۹۷.

^۳ . The Spirit of the Laws

^۴ . همان، ص ۲۹۷.

رعایت آن مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. گذشته از منشور ملل متحد که به بیان برخی از مبانی استقلال قضایی نظیر اجرای عدالت و احترام بدون تبعیض به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی پرداخته، مهم‌ترین مقررات پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی عبارتند از:

الف- ماده ۱۰ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.): «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله‌ی دادگاهی مستقل و بی‌طرف، منصفانه و علنی رسیدگی گردد و چنین دادگاهی درباره‌ی حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده است، اتخاذ تصمیم کند.»

ب- ماده ۱۴ (بند یک) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م.): «همه‌ی افراد در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد که به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه قانونی، صالح، مستقل و بی‌طرف رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره‌ی حقانیت اتهامات جزایی او یا اختلافات راجع به حقوق، تعهدات و الزامات او اتخاذ تصمیم کند.»

ج- بندهای متعدد اصول اساسی سازمان ملل متحد در خصوص استقلال قضایی (۱۹۸۵ م.)^۱، از جمله بندهای زیر به جنبه‌های مختلف اصل استقلال قضایی پرداخته و احکامی را در این ارتباط وضع کرده است:

اصل ۱: «استقلال قوه‌ی قضاییه باید توسط دولت‌ها تضمین و در قانون اساسی و قانون عادی به آن تصریح و تأکید شود. وظیفه‌ی همه‌ی نهادهای دولتی و غیر دولتی احترام به استقلال قضایی و رعایت آن است.»

اصل ۶: «اصل استقلال قوه‌ی قضاییه به این قوه حق می‌دهد و از آن می‌خواهد که اطمینان حاصل کند که دادرسی‌های قضایی به طور منصفانه انجام می‌گیرد و حقوق طرفین رعایت می‌شود.»

اصل ۱۱: «مدت تصدی قضات، استقلال، امنیت، پاداش مناسب، شرایط خدمت، حقوق بازنشستگی و سن بازنشستگی آنان باید به نحو مطلوب توسط قانون تضمین شود.»

^۱ اصول مزبور، مصوب هفتمین کنگره‌ی سازمان ملل متحد در خصوص جلوگیری از جرم و رفتار با بزهکاران که از ۲۶ آگوست تا ۶ سپتامبر ۱۹۸۵ م. در شهر میلان برگزار شد و توسط مجمع عمومی طی قطعنامه‌ی ۴۰/۳۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ و ۴۰/۱۴۶ مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ مورد تأیید قرار گرفت.

د- اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی مصوب گروه قضایی تقویت یکپارچگی قضایی (اجلاس رؤسای دستگاههای قضایی، کاخ صلح لاهه نوامبر ۲۰۰۲ م.)^۱، در ارزش اول بیان می‌دارد: « اصل استقلال قضایی پیش شرط حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است. از این رو یک قاضی می‌بایست استقلال قضایی را از هر دو بعد شخصی و اصولی تحکیم کند و به منصفی ظهور رساند.»

علاوه بر اسناد یاد شده، به اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای متعدد دیگری می‌توان اشاره کرد که منشور جهانی قضاوت مصوب اتحادیه‌ی جهانی قضاوت (۱۹۹۹ م.)، اعلامیه‌ی پکن راجع به اصول استقلال قضایی در منطقه‌ی لاواسیا مصوب ششمین کنفرانس رؤسای دستگاه قضایی (۱۹۹۵ م.)، اصول سیرکوزا مصوب کمیته‌ی کارشناسان انجمن بین المللی حقوق جزا، کمیسیون بین المللی هیئت منصفه و مرکز استقلال قضاوت و وکلا (۱۹۸۱ م.)، معیارهای حداقل استقلال قضایی مصوب کانون وکلای بین المللی (۱۹۸۲ م.)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹ م.)، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰ م.)، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱۹۸۱ م.) از جمله اسناد مزبور است. اما اهتمام و تأکید بیشتر، کامل‌تر و دقیق‌تر نسبت به اصل استقلال قضایی در شریعت مقدس اسلام دیده می‌شود. چندین قرن پیش از آن که جان لاک و منتسکیو برای تأمین آزادی و حفظ حقوق ملت‌ها، اصل تفکیک قوا و استقلال قضایی را مورد توجه و تأکید قرار دهند، استقلال دادگاه و قاضی به عنوان عاملی بسیار مؤثر و تعیین کننده در حفظ حقوق و احترام به آزادی‌های اساسی شهروندان، از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام قضایی اسلام بوده است.

خداوند تبارک و تعالی اقامه‌ی عدل و برقراری قسط را مهم‌ترین فلسفه‌ی بعثت پیامبران و فرو فرستادن کتاب معرفی کرده^۲ و اجتناب از تحاکم نزد طاغوت و پذیرش حکمیت پیامبر و تن دادن به

^۱ پیش نویس اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی (The Bangalore Principles of Judicial Conduct) در سال ۲۰۰۱ م. توسط گروه تقویت یک پارچگی قضایی تهیه شد. گروه مزبور در سال ۲۰۰۰ م. براساس دعوت مرکز پیشگیری بین المللی از جرایم سازمان ملل متحد تشکیل گردید. پیش نویس تهیه شده، در اجلاس رؤسای دستگاههای قضایی که در نوامبر سال ۲۰۰۲ م. در لاهه تشکیل شد، مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت و به تصویب رسید.

^۲ « لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ... » (سوره حدید آیه ۲۵).

قضای اسلامی را بر مسلمانان لازم دانسته و آن را از شرایط ایمان قرار داده است.^۱ به همین دلیل، در دین مبین اسلام ادله و مستندات بسیاری وجود دارد که ضمن تأکید بر اهمیت قضاوت و جایگاه رفیع آن، بر لزوم استقلال قاضی و رعایت برابری افراد اعم از قوی و ضعیف، دارا و ندار، فرمانروا و رعیت، مسلمان و کافر در مقابل قانون دلالت دارند. از جمله در روایتی آمده است که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «ایها الناس انما هلك الذين قبلکم انهم كانوا اذا سرق فيهم الشريف تركوه و اذا سرق فيهم الضعیف اقاموا علیه الحد...»^۲ یعنی ای مردم به درستی که اقوام پیش از شما به این سبب هلاک شدند که چنانچه فرد بزرگ مرتبه ای از آنان مرتکب سرقت می شد او را بدون مجازات رها می کردند؛ اما اگر فرد ضعیفی مرتکب سرقت می شد، حد را بر او جاری می ساختند. در روایت دیگری آن حضرت می فرمایند: «الناس كأسنان المشط سواء»^۳ یعنی مردم همانند دندانه های شانه برابرند. مولی الموحدين امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در نامه ی خود به مالک اشتر در سال ۳۸ هجری هنگامی که او را به فرمانداری مصر برگزید، اوصاف و خصوصیتی را برای قضاوت لازم دانسته که بدون تردید، وجود آن ها تضمین کننده ی استقلال قضایی است. حضرت در این خصوص می فرمایند: «... از میان مردم، برترین افراد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که امور قضاوت، او را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد؛ طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و در مراجعه ی پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر و پس از آشکار شدن

۱. «ألم تر إلی الذین یزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلیک یریدون أن یتحاكموا إلی الطاغوت و قد أمروا أن یتکفروا به و یرید الشیطان أن یضلهم ضلالاً بعیداً». (سوره نساء آیه ۶۰). «فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموا فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی أنفسهم حرجاً مما قضیت و یسلموا تسلیماً» (سوره نساء آیه ۶۵).

۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم، ج ۵، بیروت دارالفکر، بی تا، ص ۱۱۴.

۳. قمی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷۹.